

## و ایران باستان

دکتر توزج دریایی، استاد دانشگاه کالیفرنیا، به دعوت موزه ملی ایران با موضوع «مشکلات مطالعه تاریخ جهان و ایران باستان» در ۲۵ مرداد ۱۳۸۸ در محل موزه ایران باستان به ایراد مطالبی پرداخت که هر چند بسیار مختصر بود، اما نکته‌هایی شایان توجه داشت. وی در آغاز سخنانش به طور خلاصه به روند مطالعه تاریخ باستان پرداخت:

دانشمندان و مورخان اروپا و امریکا حدود یک قرن است که به صورت علمی در مورد تاریخ جهان باستان به مطالعه و نگارش پرداخته‌اند. اما کاستی تلاش ایشان در نگاهی بوده است که به تاریخ باستان داشتند؛ نگاهی یک سویه که یونان و روم را محوریت می‌بخشید و دیگر قسمت‌های جهان باستان را نادیده می‌انگاشت. این نگاه تا آنجا پیش می‌رفت که تاریخ کشورهای بزرگی چون ایران، مصر و چین حتی در دپارتمان تاریخ مورد بررسی قرار نمی‌گرفت؛ تدریس آنها به دپارتمان زبان‌های باستان محدود می‌شد.

در ۲۰ تا ۲۵ سال اخیر تلاش‌های بسیاری انجام گرفته است تا این نگاه تصحیح شود. مورخان متوجه این موضوع شده‌اند که تاریخ باستان، همچنان‌که تاریخ معاصر، تاریخی یکپارچه است. برای فهم تاریخ روم چاره‌ای نیست جز آنکه تاریخ معاصران روم نیز به تفصیل بررسی شود. دیدگاه نادرستی که میان شرق و غرب خطی می‌کشد و این دورا به لحاظ تاریخی نیز متمایز می‌کند، دیدگاهی است که تاریخ را از یکپارچگی‌اش خارج

می‌کند و آن را تکه‌تکه و در نتیجه نامفهوم به نمایش می‌گذارد. جمله‌ای از هرودت به یادگار مانده است که می‌گوید: «مابین شرق و غرب مرزی است تخیلی.» مشابه این معنا را در تاریخ معاصر از لئوپولد وان رنک داریم: «تاریخی نیست جز تاریخ جهان.» این دو نقل قول نشان می‌دهد که مورخان در نقل تاریخ و نقد و تحلیل آن نیاز به نوعی تواضع دارند. همچنان که ایرانیان می‌بایست دنیای باستانی خود را با دیگر نقاط جهان شریک شوند، اروپاییان نیز برای درک بهتر تاریخ یونان و روم نیازمند پذیرش تاریخ دیگر نقاط جهان هستند.

اخیراً در ایران به مقتضای سیاست و یا چیزهایی از این دست و نه البته از جنس تاریخ، تلاش‌هایی صورت می‌گیرد تا تاریخ ایران باستان را جدای از دیگر نقاط جهان، و چیزی برتر و متفاوت نمایش دهند. ما باید به هوش باشیم تا اشتباه اروپاییان را تکرار نکنیم. دیدی متواضع لازم است تا بدانیم که ما بهترین نبودیم، یکی از فرهنگ‌های مهم به شمار می‌آمده‌ایم.

دکتر تورج دریایی در بخش دوم سخنانش به مشکلات ویژه مطالعه تاریخ ایران باستان پرداخت:

نخست آن دسته‌بندی تاریخی ایران باستان، پیش از اسلام و بعد از اسلام، دسته‌بندی مناسبی نیست. این مبدأ برای تاریخ ایران مشکل‌ساز است. برای مثال تاریخ دوره هخامنشی، تاریخی است مرتبط با تاریخ بین‌النهرین و سپس حمله اسکندر و هلنیسم و اشکانیان دوره‌ای مجزا از دیدگاه فرهنگی را می‌سازد که به طور کلی با دوره پس از خود متفاوت است. من دوره ساسانی را به دو بخش تقسیم می‌کنم: بخش نخست آن را تا پادشاهی خسرو و سپس از خسرو تا پایان دوره عباسی را در یک قسمت می‌بینم. به واقع این قسمت دوم از نظر مسائل اداره کشور مشابهت‌های بسیار دارد که نمی‌توان آن را به پیش و پس از اسلام تقسیم کرد و ناچار باید آن را در یک مجموعه زمانی دید.

مشکل دیگر مطالعه تاریخ ایران باستان مسئله منابع آن است. ما هنوز در تاریخ ساسانی به منبع البته مهم اما ناکافی تاریخ طبری بسنده می‌کنیم. حال آنکه این تاریخ بسیار بعد از ساسانیان نگاشته شده است و طبری مسلمان بوده است و به بسیاری از مطالب و منابع پهلوی و دیگر زبان‌های دوره ساسانی دسترسی نداشته است. طبری در مورد قرن سوم و چهارم میلادی بسیار کم می‌داند و اهمیت تاریخ او به اواخر دوره ساسانی منحصر است. برای مطالعه تاریخ ایران باستان منابع تازه و متفاوت بسیاری در دست است که متأسفانه در ایران به آن توجه درخور نشده است. منابع مادی،

باستان‌شناسی، سکه‌شناسی، متون پاپیروس و چرم نوشته، همچنین منابع سریانی و ارمنی که می‌توانند در درک بهتر عصر ساسانی به ما یاری رسانند هنوز ترجمه نشده‌اند. تاریخ ایران باستان نیازمند آن است که نوعی تبادل بین‌رشته‌ای را تجربه کند. مورخان نمی‌توانند، بدون استفاده از کارها و تلاش‌های باستان‌شناسی و سکه‌خوانی، همچنان به کتاب تاریخ طبری بسنده کنند.

کتاب پیرنیا که در نوع خود بی‌نظیر است و کتاب کریستن‌سن، اگرچه هنوز مانند ندارد، اما خالی از یافته‌های نوین است و بی‌شک باید جایگزین‌های مناسبی پیدا کند.

۱۵۰

منتشر شد :

شوروشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی  
پرتال جامع علوم انسانی  
آدلف

بن‌زامن کُنستان  
ترجمه مینو مشیری

نشر ثالث - خیابان کریمخان زند - بین ایرانشهر و ماهشهر - پلاک ۱۴۸

تلفن ۷-۸۸۲۲۵۳۷۶